[خطبه‌ی اول 2](#_Toc457065404)

[اصل احترام و اکرام شخصیت در محیط خانواده 3](#_Toc457065405)

[شخصیت انسان مؤمن در اسلام 4](#_Toc457065406)

[خداوند دشمن تحقیرکننده مؤمنین 4](#_Toc457065407)

[حرمت بیشتر انسان‌های نیازمند 4](#_Toc457065408)

[تحقیر و توهین مسئولین، نسبت به ارباب‌رجوع 5](#_Toc457065409)

[نمونه‌ای از اصل احترام و تکریم در محیط خانواده از نگاه قرآن کریم 5](#_Toc457065410)

[حفظ احترام و تکریم متقابل همسران بعد از طلاق به خاطر کودک 6](#_Toc457065411)

[محبت پدری و مادری، حق مسلم فرزند خردسال 6](#_Toc457065412)

[ادب و احترام در رابطه با کودکان و نوجوانان 7](#_Toc457065413)

[خطبه‌ی دوم 9](#_Toc457065414)

[عدم غفلت از صفای باطنی نوجوانی و جوانی 9](#_Toc457065415)

[گام‌به‌گام بودن دام‌های شیطانی 10](#_Toc457065416)

[سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی 10](#_Toc457065417)

[خاطره‌ای از آیه الله مکارم شیرازی در ایام تعبید 11](#_Toc457065418)

[نشر علوم اسلامی از قم و ایران به تمام نقاط جهان 11](#_Toc457065419)

[توسعه و پیشرفت ایران اسلامی با همه‌ی دشمنی‌ها 11](#_Toc457065420)

[ایستادگی سه دهه‌ی‌ ملت در کنار اسلام و ایران 12](#_Toc457065421)

[انقلاب اسلامی از نعمت‌های خاص الهی 12](#_Toc457065422)

[شهید صدر قربانی انقلاب اسلامی ایران 13](#_Toc457065423)

[مقام علمی شهید صدر 14](#_Toc457065424)

[سفارش شهید صدر به شاگردان و ملت ایران 14](#_Toc457065425)

[اصل قرار دادن راه انقلاب توسط جناح‌های سیاسی 14](#_Toc457065426)

[تشکر از تشکل‌های مختلف برای حضور در نماز جمعه 15](#_Toc457065427)

[**دعا** 15](#_Toc457065428)

خطبه‌ی اول

**السلام علیکم و رحمة الله**

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ**. **نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی آله الاطیبین الاطهرین، سیما بقیة الله فی الارضین.**

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ** (**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[1]](#footnote-1)** **عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة امرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل[[2]](#footnote-2) (وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خَیرَ الزاد التقوی)[[3]](#footnote-3)**

همه‌ی شما نمازگزاران گرامی و خودم را به پارسایی و پرهیزکاری و دوری از هواهای نفس و اصلاح اخلاق و تهذیب نفس سفارش و دعوت می‌کنم، امیدوارم که خدای متعال همه‌ی ما را بر تهذیب نفس و اصلاح اخلاق مؤید بدارد.

## اصل احترام و اکرام شخصیت در محیط خانواده

سابق بحثی در رابطه با مسائل تربیت خانوادگی داشتیم و عرض کردیم که یکی از اصول اخلاقی بسیار مهم، ‌که در خانه و در روابط خانوادگی مورد تأکید اسلام هست، اکرام و احترام و حفظ شخصیت و حرمت یکدیگر است. چه رابطه‌ با پدر، مادر، زن و شوهر باشد، چه رابطه‌ی والدین با فرزندان و خردسالان و نوجوانان و چه رابطه‌ی فرزندان در برابر پدر و مادر باشد. اصل اکرام و احترام در محیط اجتماعی و حفظ آبرو و عزت اشخاص، به‌طورکلی یک اصل اخلاقی مهم اسلامی است. همان‌طور که توهین و آزار دادن و سرکوب کردن شخصیت افراد، از گناهان مهم است؛ این اصل در فضای خانواده و در روابط پدر و مادر با فرزندان و بالعکس، مورد تأکید زیادی قرارگرفته است.

در رابطه بااینکه اکرام و احترام در اسلام مورد فوق‌العاده‌ای قرارگرفته، روایات زیادی واردشده است. اهانت به مؤمن و توهین به دیگران بخصوص به خاطر اینکه مال و مقامی ندارد یا انسان ضعیفی است، حرام و مورد نکوهش شدید اسلام هست.

## شخصیت انسان مؤمن در اسلام

در روایتی از پیامبر اسلام حضرت محمد بن عبدالله(ص) نقل‌شده است: کسی که به زن یا مرد مؤمنی توهین کند یا به خاطر نداری، او کوچک بشمارد، خداوند او را در روز قیامت مفتضح می‌کند و خداوند هیچ‌گاه این آدم را با بهشت ربط نمی‌دهد. رابطه‌ی کسی که شخصیت زنان و مردان مؤمن را کوچک بشمارد و آن‌ها را تحقیر، توهین و مسخره کند، با بهشت قطع خواهد بود. این شوخی نیست. این‌ها تعالیم مهم اسلام است. حرمت انسان مؤمن، مثل حرمت کعبه است. حریم انسان مؤمن، آبروی خداست. آبروی مؤمن، آبروی انسان‌های بی‌گناه، آبروی خداوند متعال است و کسی حق ندارد که در حریم آبروی افراد وارد شود مگر جایی که خود خدا اجازه داده، مثل‌اینکه گناه‌کار باشد؛ خلاف‌کار باشد. آن‌هم با رعایت ضوابطی که دین گفته نه بدون حساب‌وکتاب.

## خداوند دشمن تحقیرکننده مؤمنین

در روایت دیگری می‌فرمایند: کسی که فقیری را کوچک بشمارد و او را مورد توهین و تحقیر خود قرار دهد، خدا دشمن او خواهد بود تا به پیشگاه خدا بیاید. به یک انسان فقیر و نداری توهین کند و او را کوچک بشمارد. فقیری به کسی مراجعه کرده ولی نمی‌تواند جواب او را بدهد یا به او کمک کند، او را کوچک می‌کند یا به او کمک می‌کند ولی او را تحقیر می‌کند، این بدتر است. این‌که کمک نکند و تحقیر هم نکند بهتر است. حرمت و کرامت انسان‌ها از هر چیزی مهم‌تر است. این چند روایت بود که عرض کردم.

## حرمت بیشتر انسان‌های نیازمند

ده‌ها حدیث واردشده که حرمت مؤمن، آبروی انسان‌ها، شخصیت انسان‌ها خیلی مهم است؛ مگر جایی که خود خدا استثنایی تعیین کرده باشد. مخصوصاً اگر کسی به آدم فقیری توهین کند، آن‌هم به خاطر اینکه او پول ندارد، این مذمت بیشتری دارد. به انسان مستمندی توهین کند؛ انسان نیازمندی را مورد تحقیر قرار بدهد. اینجا مذمت روایات تأکید بیشتری دارند. این‌ها اخلاقیات مهم اسلام است.

## تحقیر و توهین مسئولین، نسبت به ارباب‌رجوع

اگر این تحقیر و توهین در فضای کاری باشد؛ مثلاً از کسی که مسئول اداره‌ یا کارمندی است که از بیت‌المال حقوق می‌گیرد تا با انسان‌ها با کرامت برخورد کند، اگر این کار را انجام ندهد، چند خلاف انجام داده است؛ بیت‌المال را ضایع کرده، خلاف دستورات خاص حکومت الهی عمل کرده و ارزش‌های بزرگ اخلاقی را زیر پا گذاشته است. بیاییم و تصمیم بگیریم مبنای تعامل و رفتار و ارتباط ما در محیط کاری، اجتماعی، کارخانه، اداره، کار، دانشگاه، مدرسه، آموزشگاه، هرجایی که هست، بر اساس اکرام، احترام، حفظ آبرو و حفظ شخصیت انسان‌ها باشد. این اصل مهم اسلام است. البته توهین و تحقیر و مسخره کردن و کوچک شمردن و آبروی افراد را ریختن، حرام است و اگر کسی بیاید و بیشتر دقت کند که احترام بیشتری نگه دارد و آداب بیشتری را رعایت کند، قطعاً فضیلت بیشتری دارد. بنابراین در اسلام توهین و تحقیر حرام و در برخی موارد، از گناهان کبیره شمرده‌شده است. احترام و اکرام هم مستحب و جزو آداب و سنن اکیده‌ی اسلام است. روایات زیادی من اینجا نوشتم که به همین دو سه روایت اکتفا می‌کنم. این یک اصل کلی اخلاقی است.

## نمونه‌ای از اصل احترام و تکریم در محیط خانواده از نگاه قرآن کریم

اصل اکرام و احترام در فضای خانواده از مهم‌‌ترین این اصل‌هاست که در روایات از تأکیدات بیشتری برخوردار است. در سوره‌ی طلاق، آیه‌ی ششم به بعد و در سوره‌ی بقره و دیگر آیات قرآن و روایات، تأکیدات زیادی در مورد مردی که همسر خود را طلاق داده درحالی‌که همسرش حامله است وجود دارد. مرد باید حرمت این زن حامله را تا وضع حمل، نگه دارد. آن‌قدر در قرآن و روایات بر روی این مسئله تأکید شده که انسان می‌گوید که چطور یک موضوع به این کوچکی چند جای قرآن بر آن تأکید شده است؟ احترام زن و احترام فرزندی که در شکم مادر است این‌قدر مرد را موظف می‌کند. طلاق چیز مبغوض و بدی است؛ به‌هرحال این دلیل نمی‌شود که مرد، وقتی همسر خود را طلاق داد، شخصیت زن و طفلی که در شکم اوست را مورد تحقیر و توهین قرار دهد. مرد باید نفقه او را پرداخت کند؛ احترام او را داشته باشد؛ با او مشورت کند؛ با نیکی با او تعامل کند و تعابیر عجیبی که در قرآن وجود دارد.

## حفظ احترام و تکریم متقابل همسران بعد از طلاق به خاطر کودک

حالا که این بچه دنیا آمد؛ بچه‌ای که پدر و مادر او از هم جدا شدند. بالاخره این بچه احتیاج به غذا به شیر مادر دارد و نیازمند این است که ازنظر عواطف در دامن مادر بزرگ شود؛، قرآن تأکید می‌کند که زن‌وشوهری که از هم جداشده‌اند با هم بنشینید (**وَ أْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوف**‏)[[4]](#footnote-4) و مشورت کنید به صورتی که حق بچه حفظ شود تصمیم بگیرید. عجیب است. زن و مرد از هم جدا شدند؛ بچه دنیا آمده؛ چقدر قرآن روی مسئله‌ی شیر مادر و عواطفی که این بچه باید آن را در وجود خود لمس کند، تأکید دارد. واقعاً غوغاست. می‌گوید: جداشده‌اید؛ ولی برای اینکه بچه شیر مادر بخورد، ازنظر تغذیه‌ای و بهداشتی و پزشکی و عواطف مادر سیراب شود، با هم مشورت کنید؛ رایزنی کنید؛ کوتاه بیایید و همدلی کنید. دامان مادر جایی است که روح بچه کمال پیدا می‌کند. حتی بچه‌ی طلاق داده‌شده احساس کند که پدر و مادر او راجع به او هم‌فکری می‌کنند.

## محبت پدری و مادری، حق مسلم فرزند خردسال

خیلی عجیب است. این آیات را در فقه تربیتی دیدم که چند روز یا دو هفته این آیات را بحث می‌کردم. نکات عجیبی که در این آیات است. زن و مرد جداشده‌ و از هم فاصله گرفتند. قاعدتاً روابط آن‌ها با هم مکدر است؛ ولی قرآن می‌فرماید: زنی که از مرد جدا شدی؛ مردی از زن جدا شدی؛ این حق تو بوده که به دلایلی از هم جدا شوید؛ اما حق طفل این است که در شکم مادر از شیر زلال او بیاشامد و از وجود و عواطف انسانی او سیراب شود. دین به تو اجازه نمی‌دهد که تندی کنی و همه‌ی روابط انسانی را بر هم بزنی. جدا شدی ولی مثل دو انسان عاقل، مشورت کنید که چطور بچه را تربیت کنید. چطور بچه شیر بخورد؛ چطور با پدر و مادر انس داشته باشد. (**وَ أْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوف**‏)[[5]](#footnote-5) (**تُضَارَّ والِدَةٌ بِوَلَدِها وَ لا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِه** ‏)[[6]](#footnote-6) ‏ حق ندارید به این بچه‌ی در شکم مادر ضرر بزنید. بچه باید شیر مادر بخورد. شیر مادری که علم امروز می‌گوید که چه برکاتی دارد و از آن برکات جسمانی مهم‌تر، عواطف انسانی، مهر مادری و پدری است. حالا ببینید اسلام برای بچه‌ی شیرخوار یا در شکم که پدر و مادر او طلاق گرفته‌اند و از هم جدا شدند این‌قدر سخن گفته و در آیات قرآن مورد تأکید قرارگرفته است.

این‌ها تکالیف اسلام است و تکالیف اجتماعی اسلام را نباید کوچک بشماریم. اسلام فقط نماز و جماعت و جمعه نیست. این‌ها خیلی مهم است؛ اما این تعالیم اخلاقی اسلام غوغاست. این‌ها سند آزادی بشر است. سند رشد و کمال بشر است. منشور تکامل دنیا و اخرای انسان است. قرآن این طوری تأکید می‌کند. وقتی که به بچه‌ی در شکم مادر و بچه‌ای که پدر و مادر او از هم جدا شدند، این‌قدر در جاهای مختلف قرآن توصیه می‌شود، به طریق اولی نسبت به بچه‌ای که در خانه به دنیا می‌آید، باید روابط پدر و مادر با هم صمیمی باشد و توجه به این بچه داشته باشند تا کودک درست رشد کند؛ درست شیر بخورد و حق شیر او ادا شود؛ حق تربیت او ادا شود. حق معنوی او که باید کمال معنوی و اخلاقی پیدا کند، ادا شود. این بچه‌ها امانات و ودایع الهی هستند. این‌طور نیست که از کنار رد شویم و تمام کنیم برود. هزار راز و رمز در تربیت وجود دارد.

## ادب و احترام در رابطه با کودکان و نوجوانان

این در مورد بچه‌ی در شکم مادر و شیرخوار و پدر و مادر هم از هم طلاق گرفته است. معلوم است که این حق، چقدر بزرگ است که می‌گوید با هم همکاری کنید تا این رشد کند؛ در جای دیگر که تکلیف روشن است. در روایات می‌فرماید: «**أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُم**»[[7]](#footnote-7)‏ اول می‌گوید: «**أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ** » اکرام و احترام به فرزندان، خصوصاً در کودکی و نوجوانی و جوانی، دو ارزش دارد؛ یکی اینکه ذاتاً باید انسان به دیگران احترام بگذارد؛ ولی اینجا می‌گوید: «**أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُم**» اگر می‌خواهید فرزندان شما خوب رشد پیدا کنند و فرزندان رشید و آبرومند و سالمی باشند، خشت اول این است که به آن‌ها احترام بگذارید. آن‌ها را انسان بدانید؛ آن‌ها را بزرگ بدارید؛ با آن‌ها گفت‌وگو کنید؛ به آن‌ها دل بدهید؛ با آن‌ها حرف بزنید؛ با آن‌ها مشورت کنید؛ از آن‌ها نظر بخواهید؛ به آن‌ها کتاب بدهید؛ راه رشد آن‌ها را پیدا کنید. اصل این است که به آن‌ها احترام بگذارید. عواطف انسانی و احترام به دیگران، معجزه می‌کند. در تحول شخصیت افراد، معجزه می‌کند. احترام بگذار و شخصیت او را حفظ کن. معجزه می‌کند. «**أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُغْفَرْ لَكُم**»[[8]](#footnote-8)‏ وقتی که به فرزندان خود احترام گذاشتید، خدا هم شما را می‌بخشد. با این احترام آن‌ها را تربیت کردید. البته گاهی آدم توبیخ می‌کند؛ ملامت می‌کند؛ اما این‌ها استثناء است. اصل این است که احترام کنید. نودونه درصد انسان‌ها با روش درست تربیتی، خوب تربیت می‌شوند که البته ریزش و ضایعات دارد. این احترام به فرزندان یا احترام گذاشتن به پدر و مادر، در خانه بیش از هر جای دیگری مهم است و دو ارزش دارد؛ یکی اینکه خود آن مؤکد و لازم و خوب است و دیگری اینکه روش موفقیت، در تربیت است. خدایا تو را به اولیاء الهی قسم می‌دهیم که ما را به وظایف خانوادگی آشنا بفرما. ما را به پرورش نسل آبرومند و سالم و الهی موفق و مؤید بدار.

**(بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ\*أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ\*وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ\*تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ\*فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ)[[9]](#footnote-9)**

صدق الله العلی العظیم.

خطبه‌ی دوم

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّـهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی علی امیر المؤمنین و علی الصدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و خلف القائم المنتظر. ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمن و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.**

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[10]](#footnote-10)عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله**

 بار دیگر همه‌ی شما نمازگزاران گرامی، برادران و خواهران بزرگوار و خودم را به پارسایی و پرهیزگاری و عمل به وظایف الهی سفارش و دعوت می‌کنم. عمر، سلامتی، نشاط، ثروت و سرمایه‌، مقام و مسئولیت و همه‌ی امکانات و نعمی را که خداوند به دست ما سپرده است و ما را غرق نعمت‌های بیکران خود کرده است، تنها یک فلسفه دارد و آن فلسفه‌ی کمال معنوی و رشد اخلاقی و پیشرفت انسانی ماست.

## عدم غفلت از صفای باطنی نوجوانی و جوانی

هر جمعه که در خطبه‌های جمعه، خطیب جمعه خود و دیگران را به تقوا و پارسایی توصیه می‌کند؛ یعنی هشدار جدید به همه‌ی مردم و آحاد جامعه که باید به فکر مرگ و قیامت و آینده‌ی خود باشیم. گذر دنیا را به تماشا بنشینیم. از گذر دنیا، از تحولات عالم، از فنای این عالم، پایان‌پذیری نعمت‌های خدا، غفلت نکنیم. به‌خصوص این طهارت روح و صفای نفس و پاکی دل که نوجوانی و جوانی وجود دارد. من به‌خصوص به جوانان و نوجوانان عزیز، عرض می‌کنم که ارزش انسانی انسان، به این است که در نوجوانی، برای خود شخصیت خوبی پایه‌ریزی کند. از آلودگی‌ها خود را حفظ کند.

## گام‌به‌گام بودن دام‌های شیطانی

باید از آسیب‌ها و آفت‌های شیطانی که می‌آید و ما را آلوده می‌کند؛ ما را غرق در گناه می‌کند؛ زندگی ما را تباه می‌کند، پرهیز کنیم. شیطان که به سمت ما می‌آید ناگهانی و یک‌دفعه ما را به گناهان بزرگ دعوت نمی‌کند. شیطان با نقشه و باتدبیر می‌آید. اشتباه را از جای کوچکی فرمان می‌دهد؛ توجیه می‌کند؛ قدم‌به‌قدم انسان را غرق در گناه می‌کند. این خطر بزرگی است. کسی که اول در اداره است؛ اول که مسئولیتی دارد؛ اول که درس می‌خواند؛ اول که در کارخانه است؛ اول که وارد خانه و زندگی جدید می‌شود، شیطان او را به یک گناه و خطای بزرگ دعوت نمی‌کند. اول انسان را به یک ریال وسوسه ‌می‌کند؛ بعد آرام‌آرام یک میلیارد و فساد مالی می‌شود. اول در یک رشوه‌ی کوچک و مشتبه پای انسان را می‌لغزاند؛ بعد انسان می‌بیند که غرق رشوه است. اول رفیق ناباب، نصف سیگار می‌دهد؛ اما آخر آن هروئینی شدنی است که تمام عمر او را تباه ‌می‌کند. یادمان باشد که شیطان قدم‌به‌قدم انسان را جلو می‌برد.

دوم اینکه با توجیه، انسان را جلو می‌برد. اول توجیه ‌می‌کند، آرام‌آرام انسان را جلو می‌برد. یک‌وقت می‌بینی یزید شده. (**ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوأى أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّـهِ**)[[11]](#footnote-11) یک‌وقت می‌بینی غرق در گناه و فساد و آسیب و ناهنجاری‌های اجتماعی است. شیطان از جوانی هم این کار را شروع ‌می‌کند. از نوجوانی پایه‌ی این فسادها ریخته می‌شود. ارزش جوانی که در جوانی و اول زندگی، پاک زندگی کند، حد و اندازه‌ای ندارد. پاکی در جوانی ارزش دارد. طهارت در اوج سلامتی و شادابی، ارزش دارد. وقتی قوای انسان از کار افتاد، مسجد و نمازی و جمعه‌ و جماعتی که می‌رود، گرچه خوب است؛ اما ارزش برای آن جوانی است که اول زندگی، راه درست را انتخاب ‌می‌کند.

## سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

دهه فجر و سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی را که امروز در نخستین روز آن قرار داریم، گرامی می‌داریم و یکی از دستاوردهای مهم اسلام در دوره‌ی معاصر انقلاب اسلامی و دهه‌ی فجر است. ای‌کاش جوان‌های ما می‌توانستند بدانند که این کشور در چنگال چه دشمنانی بود. چه خطراتی پیرامون این کشور را گرفته بود و انقلاب اسلامی چه کرد و ای‌کاش جوانان ما می‌توانستند بدانند که امروز انقلاب شکوهمند اسلامی در جهان و درصحنه‌ی بین‌الملل، چه موجی دارد و چه عظمت و شکوهی دارد. ای‌کاش این دو نکته را می‌توانستیم بفهمیم.

## خاطره‌ای از آیت‌الله مکارم شیرازی در ایام تعبید

سه چهار روز قبل در قم با حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی ملاقاتی داشتم. گزارشی از کارهایی که حوزه به برکات انقلاب اسلامی در جهان و در ده‌ها کشور دنیا انجام می‌دهد، خدمت ایشان عرض کردم. ایشان نیم ساعت عرایض و گزارش‌های بنده را گوش داد بعد که تمام شد، گفت این‌ها را که گفتی خیلی در خودم فرو رفتم. یادم آمد که در خاش تبعید بودم، مدتی ایشان قبل از انقلاب در خاش، تبعید بودند. گفتند من در طول شش ماه یا یک‌سالی که در تبعید بودم، تلاش کردم یک‌بار در یک دبیرستان حضور پیدا کنم تا با بچه‌ها از قرآن و دین و اخلاق دو کلمه حرف بزنم. در طول این مدتی که در تبعید بودم، اجازه ندادند که من با بچه‌ها صحبت کنم. و این پرونده‌ای برای آقای مکارم در ساواک شد که ایشان می‌خواسته در دبیرستان سخنرانی کند. سخنرانی که همه‌ی آن آیه قرآن و حدیث است. یک آدم باشخصیتی مثل ایشان می‌گفت: در یک مدرسه را به روی ما باز نمی‌کردند و اجازه نمی‌دادند که بچه‌های ما نامی از قرآن و دین به گوش آن‌ها بخورد.

## نشر علوم اسلامی از قم و ایران به تمام نقاط جهان

امروز به برکت خون‌های شهدا، به برکت انقلاب اسلامی، به برکت خون عزیزان شما خانواده‌های شهدا، به برکت مجاهدت ایثارگران و جانبازان، آزادگان، بسیجیان و همه‌ی این ملت غیور، دروازه‌های عالم به روی دین خدا بازشده است. اگر روزی در کتاب‌ها می‌خواندیم که امام صادق(ع) فرمودند: روزی می‌آید که قم محور و کانون نشر معارف الهی در سراسر عالم می‌شود، همه می‌گفتند یعنی چه؟ امام صادق(ع) چه فرماید؟ تعبیری که در روایت آمده، ‌می‌گوید: علم از قم و ایران به همه‌ی عالم سرازیر می‌شود. کسی نمی‌فهمید چیست؟

## توسعه و پیشرفت ایران اسلامی با همه‌ی دشمنی‌ها

انقلاب اسلامی شما، تظاهراتی که در سال 56 و 57 انجام دادید، ایثار شما، مجاهدت و خون‌های عزیزان شما، اسارت اسیران شما، تلاش بسیجیان شما، همت این ملت بزرگی که خدا او را پرچم‌دار اسلام، در دوره‌ی جدید کرده، این انقلاب را به وجود آورد. این انقلاب چیز کمی نبود. من حال و مجال اینکه وارد تفصیل بحث بشوم را ندارم؛ اما کشوری که در جنگ داشته، کشوری که در تحریم بوده، کشوری که با مشکلات داخلی دست و پنجه نرم می‌کرده، فقط ازنظر مادی با هفت هشت مشکل بزرگ دست و پنجه نرم می‌کرده، جنگ و تحریم و محاصره، تبلیغات خارجی، گرفتاری فراوان و توطئه‌های داخلی و هزاران مشکلی داشتیم؛ اما کشور، در بخش تحصیلات، دانشگاه، مراکز علمی، گسترش علم و دانش، در بخش توسعه‌ی روستاها، شهرهای کوچک، در بخش راه، مخابرات، بهداشت، درمان، آب، برق، گاز، تسلیحات و سایر بخش‌های زیربنایی، کشوری که با آمریکا قهر بوده، پرچم مبارزه با استکبار را بر دوش می‌کشیده، کشوری که مشعل‌دار راه نوین انقلاب اسلامی، در دوره‌ی معاصر بوده و با این همه گرفتاری‌ها دست و پنجه نرم می‌کرده، حتی در معیارهای مادی، قدم‌های بزرگی برداشته و ان‌شاالله قدم‌های بزرگ‌تری هم برمی‌دارد. باید جوان‌های ما کارهای خیلی بزرگی کنند.

## ایستادگی سه دهه‌ی‌ ملت در کنار اسلام و ایران

حدود سه دهه، ملت ما شبانه‌روز پای اسلام ایستاده و پای پرچم اسلام سینه زده است. برای اسلام، برای انقلاب اسلامی، جان‌فشانی کرده است. درود خدا بر این ملت؛ آفرین بر این جوانان غیور و آبرومندی که در آخرالزمان صحنه‌های صدر اسلام و بدر و احد و خیبر و حنین و کربلا را احیاء کردند. دهه‌ی فجر یعنی این‌ها. با این گرفتاری‌ها، کشور در بخش‌های مختلف پیشرفت کرده؛ درصحنه‌ی جهانی، عزت بین‌المللی دارد. راه نویی را پیدا کرده، استقلال و آزادی فوق‌العاده‌ای را به وجود آورده و معنویت را در نسل جوان ما احیاء کرده. بله؛ ما امروز در جامعه مفاسد داریم؛ اشکالات و گرفتاری‌هایی داریم که باید جلوی آن را گرفت. باید امربه‌معروف و نهی از منکر کرد؛ اما این خیل عظیم جوان‌های پاک و دل‌های خدایی، انسان‌های وارسته، این‌ها محصول انقلاب اسلامی است.

## انقلاب اسلامی از نعمت‌های خاص الهی

عزیزان؛ انقلاب اسلامی از ایام‌الله بود. انقلاب اسلامی از نعمت‌های خاص خدا بود. انقلاب اسلامی درخشش نور خدا در این دوره بود. انقلاب اسلامی، پرچم به اهتزار در آمده‌ی اسلام بود که خدا شما ملت را شایسته دید و به دست شما داد. باید بر این نعمت بزرگ خدا را سپاس گذاشت. قدردان بود؛ سر بر سجده گذاشت و به وظایف و مسئولیت‌ها خوب عمل کرد. این انقلاب، خدایی است. دست دیگری این انقلاب را می‌چرخاند. دست دیگری تدبیر ‌می‌کند. اگر ما ایمان و وحدت داشته باشیم.

چه کسی فکر می‌کرد که به دست دشمنان ما، سرسخت‌ترین دشمن مجاور ما سرنگون شود؟ چه کسی فکر می‌کرد که صدام به آن روز گرفتار شود. این انقلاب خیلی ارزش دارد. من علی‌رغم اینکه حالم مساعد نیست بگذارید این را بگویم.

## شهید صدر قربانی انقلاب اسلامی ایران

اخیراً پنج جلد کتاب راجع به شهید صدر می‌خواندم. یک دوره‌ی پنج‌جلدی است: «**محمدباقر صدر سیرته و مسیرته**» مرحوم شهید صدر از نوابغ دوره‌ی معاصرند. عراقی هم بودند و در زیر پنجاه‌سالگی از بزرگ‌ترین علمای عالم در فلسفه، منطق، فقه، اصول و در بسیاری از علوم بودند. مثل ایشان را یا نداریم یا بسیار کم داریم. در طول این روزهایی که این کتاب را می‌خواندم هر وقت که از پای کتاب بلند می‌شدم با چشم اشک‌بار بلند می‌شدم. یک نابغه‌ی بزرگ، عالم بزرگ بودند. ایشان ایرانی هم نیستند؛ ایران را هم ندیده‌اند؛ با امام هم رابطه‌ی زیادی در نجف نداشته. خودش مرجعیت داشته. یک شخصیت بزرگ این طوری، قربانی انقلاب اسلامی شد. سه چهار بار صدام پیغام داد ولی رئیس مخابرات نجف، واسطه شد. چند ماه ایشان در محاصره بودند. صدام سه چهار شرط گذاشت که اگر این‌ها را بپذیری کاری با تو نداریم و آقای عراق خواهی بود. مرجعیت برای تو همه‌چیز برای تو؛ ولی سه چهار شرط را بپذیر. ایشان می‌گویند: نه. اصرار می‌کنند؛ اما می‌گویند: نه. آخرین حرفی که در این رفت‌وآمدها ردوبدل می‌شود این است که تو از تأیید امام و انقلاب اسلامی دست‌بردار. عراقی است؛ مرجع است؛ عالم است و نیازی به ما ندارد. می‌گفتند: تو فقط از انقلاب اسلامی و امام دست‌بردار، همه‌چیز برای تو و هیچ خطری هم تو را تهدید نمی‌کند. گفت اگر این کار را نکنم، صدام گفت: اعدام. مرحوم شهید صدر گفتند: پس همین‌الان بلند شو برویم اعدام. هرگز من دست از خمینی و انقلاب اسلامی برنمی‌دارم. داستان‌های عجیبی دارد. من هر بار که از پای این کتاب بلند می‌شدم با چشم پر از اشک بلند می‌شدم.

## مقام علمی شهید صدر

شما نمی‌دانید که وقتی می‌گوییم شهید صدر، یعنی چه؟ ایشان در دانشگاه‌های دنیا مطرح است. در مراکز علمی دنیا مطرح است. نظریه استقرائی ایشان آن‌هایی که اهل منطق و فلسفه هستند، می‌دانند که نظریه‌ای جدید است و در نظام فلسفی و اقتصادی اسلام، حرف‌های کاملاً بکر و نویی را بنیان‌گذاری کرد. ما نمی‌دانیم شهید صدر و محمدباقر صدر یعنی چه؟ می‌گویند: روز آخر هم که ایشان را بردند خود صدام آمد. خواهر شهید صدر هم در آنجا بود که ایشان ‌هم نویسنده‌ی خیلی بزرگی است. صدام گفت: آخرین حرف این است که باید از انقلاب اسلامی دست برداری. گفت: نمی‌شود. می‌گوید: آرزوی من در طول سال‌ها این بود که در نقطه‌ای از این عالم در گوشه‌ای از عالم، حکم الهی و قانون اسلام حاکم شود. حالا که می‌بینم به برکت امام، در ایران این حکومت الهی و آرمان‌های دینی محقق می‌شود، دیگر آرزویی ندارم. همه‌ی وجود من فدای این انقلاب و امام. اگر امام به من بگوید: برو شیراز و بقال شو، این را ترجیح می‌دهم. من سرباز امامم.

## سفارش شهید صدر به شاگردان و ملت ایران

به شاگردان خود و ملت ایران ‌هم پیغام داد که همان‌طور که امام در اسلام ذوب شد، شما در اسلام ذوب شوید. انقلاب اسلامی آمال انبیاء بود؛ آمال اولیاء الهی بود؛ آرزوی دیرین و تاریخی و هزاران ساله‌ی بزرگان دین بود. ملت ایران امروز در این میدان آمدند. نمی‌دانید این نعمت بزرگ چیست؟ اگر شهید دادید؛ اگر جانباز شدید؛ اگر رزمندگی داشته‌اید؛ اگر برای اسلام جان‌فشانی کردید، پشیمان نباشید، سربلند و باافتخار وارد این راه بزرگ شدید. این‌ها افتخارات شماست و آن عالم معلوم می‌شود چیست؟

## اصل قرار دادن راه انقلاب توسط جناح‌های سیاسی

انقلاب اسلامی با این همه مشکلات دست و پنجه نرم کرده؛ ولی در همه‌ی بخش‌های آب، برق، گاز، تلفن، بهداشت و... آن‌همه خدمات را انجام داده و در دنیا این عزت و عظمت را به ارمغان آورده و راه جدیدی را مطرح کرده و البته راه درازی در پیش دارد. جناح‌های سیاسی باید قدر این انقلاب را بدانند. در مسائل مختلفی که در کشور رخ می‌دهد، باید ارزش این انقلاب و راه نورانی انقلاب، اصل باشد. باید این را محور و اصل قرار داد و این چیز بزرگ و متاع بزرگ را قربانی چیز دیگری نکرد. دهه‌ی مبارک فجر را گرامی می‌داریم و امیدواریم که پیام انقلاب اسلامی، در مدارس و دانشگاه‌های ما، مراکز عمومی و جامعه‌ی ما احیاء شود. این پیام دهه‌ی فجر است که وظیفه‌ی همه‌ی ماست. من در پایان‌ هم دهه‌ی فجر را گرامی می‌دارم، هم بر بزرگداشت این دهه تأکید می‌کنم. هم بر انتقال پیام‌های نورانی انقلاب اسلامی در سراسر مناطق شهر و محیط‌های مختلف تأکید می‌کنم هم تأکید می‌کنم که باید عملکرد و روش مسئولان و همه‌ی بخش‌های کشور، موجب عزت و اعتلای اسلام و ماندگاری و حفظ این آرمان بزرگ انقلاب اسلامی شود. به‌خصوص به جوان‌ها عرض می‌کنم که آگاه و آشنا شوید و شما باید حافظان این راه پرافتخار باشید.

## تشکر از تشکل‌های مختلف برای حضور در نماز جمعه

در این هفته هم عزیزان ما از شبکه‌ی بهداشت و درمان و بسیج جامعه‌ی پزشکی و پایگاه مقاومت شهید جواهری و دوستانی که در خدمت مردم هستند، به صورت متشکل در نماز شرکت کردند. دانش آموزان عزیز ما که معمولاً فراوان شرکت می‌کنند و به‌خصوص کسانی که از مدرسه‌ی راهنمایی رشیدالدین آمدند مقدم این عزیزان را هم گرامی می‌دارم و امیدوارم که جوان‌های ما مشعل‌دار ادامه‌ی انقلاب اسلامی و عزت و عظمت این کشور باشند و این راه آن‌ها به‌خوبی ادامه بدهند.

**دعا**

نسئلک اللهم و ندعوک، باسمک العظیم الاعظم، الاعز الاجل الاکرم یا الله

خدایا دل‌های ما را به انوار ایمان روشن بفرما؛ اللهم اغفر للمومنین و المومنات والمسلمین والمسلمات؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله؛ اللهم انصر جیوش المسلمین و عساکر المسلمین؛ خدایا خدمتگزاران به اسلام و مقام معظم رهبری و مراجع عظام را مؤید و منصور بدار؛ ارواح تابناک شهیدان و امام شهیدان و اموات و درگذشتگان و مراجع و علمای فقید ما و درگذشتگان این جمع را با اولیای خودت محشور بفرما؛ باران رحمت و برکاتت بر ما فرو بفرست؛ سلام ما را به محضر امام عصر7 ابلاغ بفرما؛ ما را از یاران او مقرر بفرما.

**بسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يلِدْ وَلَمْ يولَدْ وَلَمْ يكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ[[12]](#footnote-12)**

1. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-1)
2. . نهج البلاغة، خطبه 204، ص 234. [↑](#footnote-ref-2)
3. 2. سوره‌ی بقره‌ُ، آیه‌ی 197. [↑](#footnote-ref-3)
4. . سوره‌ی طلاق، آیه‌ی 6. [↑](#footnote-ref-4)
5. . سوره‌ی طلاق، آیه‌ی 6. [↑](#footnote-ref-5)
6. . سوره‌ی بقره، آیه‌ی 233. [↑](#footnote-ref-6)
7. . بحار الانوار، ج 101، ص 95. [↑](#footnote-ref-7)
8. . بحار الانوار، ج 101، ص 95. [↑](#footnote-ref-8)
9. . سوره‌ی فیل، آیات 1تا 5. [↑](#footnote-ref-9)
10. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-10)
11. . سوره‌ی روم، آیه‌ی 10. [↑](#footnote-ref-11)
12. . سوره الاخلاص [↑](#footnote-ref-12)